

آب زنده

یوحنا ۷، ۳۷-۳۹

در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاد و به بانگ بلند ندا در داد: «هر که تشنه است، نزد من آید و بنوشد. هر که به من ایمان آورد، همان‌گونه که کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده روان خواهد شد. 39.» این سخن را درباره روح گفت، که آنان که به او ایمان بیاورند، آن را خواهند یافت؛ زیرا روح هنوز عطا نشده بود، از آن رو که عیسی هنوز جلال نیافته بود.



۴۰ سال قوم اسرائیل می‌بایستی در بیابان‌ها سرگردان می‌بودند. تقریباً اندازه عمر یک انسان آنها می‌بایستی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردند. در آن زمان هیچ قطره آبی و خرده نانی نیابستی از بین می‌رفت. ولی در این زمان، زمان پر برکت و با ارزشی برای آنها بود زیرا آدم می‌توانست در آن موقع دست حمایت‌کننده خداوند را به خوبی ببیند و آن را حس کند. و این‌ها را نیابستی فراموش می‌کردند برای همین خدا یک هفته یاد آوری را تعیین کرد. آن جشن، جشن خیمه می‌نامند چون برای یاد آوری به زمان بیابان، آنها خیمه را بنا می‌کردند. همانطور که در کتاب لاویان آمده است، یهودیان این کار را تا به امروز انجام می‌دهند. در آنجا این مرسوم بوده است که کاهنان یهودیان از بالای معبد به پایین جایی که چشمه به نام سیلوح قرار داشت می‌آمد و یک پیاله آب از آنجا به بالا حمل می‌کرد. در زمان انجام مراسم موزیک نواخته می‌شد و این آب به همراه جام شرابی به کاسه بزرگی ریخته می‌شد و همه خدا را ستایش می‌کردند. و در آنجا آدم به این فکر می‌افتاد که چطور خداوند قوم خودش را در بدترین شرایط حفظ کرده است.

عیسی در روز آخر که روز بزرگترین همین عید بود، وارد این مراسم می‌شد و خودش را مخفی می‌کند و فقط به حرکات انسان‌ها توجه می‌کند. او خوشحالی آن مردم را می‌دید که چطور آن آب‌ها را به معبد می‌بردند همچنین او این اعمال کورکورانه آنها را نیز می‌توانست تشخیص دهد. او با خودش می‌گفت که بعد از گذشت سال‌ها آنها هنوز باز برای این روز جشن می‌گیرند در صورتی که ناجی آنها همین الان در کنار آنها هست. تمام خوشحالی آن مردم فقط در مقوله‌های سرزمین و آب و ثروت خلاصه می‌شد. آنها با این کارشان از هدف اصلی خدا دور شدند. آنها در آن زمان‌ها به موسی اعتماد کامل کردند ولی با این وجود پیام خود موسی را رد کردند و به این دلیل وقتی که عیسی در نزد آنها قرار دارد هیچ اعتنایی نمی‌کنند. و آنها نمی‌دانستند که عیسی قصد دارد هدیه بهتری را به آنها بدهد. آنها تا به آن روز برکات و هدایای خدا را فقط مختص در روی همین زمین می‌دیدند و فکر آن را نمی‌کردند که روزی این برکات برای فرزندان خدا و برای همیشه خواهد شد. عیسی به یک خانم سامری این را می‌گوید که:

اگر تو می‌دانستی با چه کسی صحبت می‌کنی حتماً از من می‌خواستی که آب جاویدان را به تو بدهم.

عیسی بعد از دیدن این مراسم‌ها به سمت این اجتماع فریاد می‌زند و می‌گوید هر کسی که تشنه است به سوی من بیاید. و آب بنوشد. هر کس که به من ایمان داشته باشد همانطور که در نوشته‌ها آمده است. من آب جاودان را در او جاری می‌کنم. به همین ترتیب این سخنان در ایه‌های امروز آمده است.

عیسی در آنجا شادی آن مردم را می‌دید و با خود می‌گفت اینها از تزئینات آن مراسم سیراب نیستند و آنها هنوز تشنه‌اند. برای همین عیسی این تشنگان را صدا می‌زند و دوست دارد که آنها را سیراب کند. عیسی این سخنان را نیز امروز به ما و به هر کسی که او، او را آفریده است می‌گوید که بیایید به نزد من تا من شما را سیراب کنم. و او همه را به این آب دعوت می‌کند. ما از طریق چیزهایی که داریم تکامل نمی‌یابیم. عیسی یک بله خیلی آشکار و محکم به ما می‌گوید و او واقعاً قصد دارد که تشنگی ما را از بین ببرد. او به خاطر اینکه خدای زنده است دوست دارد ما را دربر گیرد. همچنین عیسی یک نه به خیلی از چیزهایی که در زندگی مانع دیدن ما به آن آب حیاط می‌شوند می‌گوید. کلمات عیسی یک مژده و یک تأییدیه برای ما انسان‌ها است همچنین واکنش او به سوی تمام موانع در پیش روی ما نیز منفی می‌باشد چیزهایی که ما انسان‌ها می‌خواهیم با آنها جای محبت اصلی خدا را در بین خودمان قرار دهیم.

بعضی‌ها هم این سخنان عیسی را می‌شنوند و در اینباره می‌گویند که: نمی‌شود ما را به حال خودمان بگذارید و برای ما چیزی را تکلیف و تعیین نکنید. ما دوست داریم که در این مدت کوتاهی که در این دنیا هستیم به خوشی بگذرانیم. و از آن لذت ببریم. و در انتها هم از درد مرگ نیز هم خواهیم مرد. در اصل هم تعدادی از مردم با این روش در زندگی خودشان موفق هستند و به خوبی تا آخر عمرشان زندگی می‌کنند. ولی در انتهای زندگی هر شخص یعنی در زمان مرگ، این سخنان عیسی نقش مهمی را بازی می‌کند. حال چه چیزی در اینجا کم بودی است؟ تشنگی است...واقعاً. تشنگی در این مسئله چگونه می‌باشد؟ یک مثال در زمان کودکی خودم را به یاد دارم که در گرمای بالای آفریقای جنوبی در حال بازی کردن در بیرون از خانه بودم که بعد از گذشت ساعت‌ها و تشنگی فراوان، با بدنی کاملاً کثیف به سوی خانه می‌رفتم و در آشپزخانه ای که در آن مادرم با عصبانیت به من نگاه می‌کرد وارد می‌شدم و یک گالن آب را به یک مرتبه سر می‌کشیدم تا تشنگی ام را برطرف سازد. البته آن لحظه هم خیلی دلپذیر بود. ما انسان‌ها هم در مقابل خدا نیز همینطور هستیم. ما تا زمانی که بدون خدا هستیم چیزی درک نمی‌کنیم ولی در لحظه آخر و در زمان مرگ این تشنگی ما بالا می‌زند و در آنجا نیاز به آب حیاط بخش عیسی داریم. و می‌گوییم که من دیگر نمی‌توانم بدون عیسی زندگی کنم زیرا من فکر می‌کنم که جای و مرحله دیگری نیز باید بجز مرگ نیز وجود داشته

باشد. عیسی همه را صدا می زند. بدون آب هیچ محصولی به وجود نمی آید و بدون محصول هیچ زندگی ادامه نخواهد داشت. ما این امر را می توانیم در سراسر جهان ببینیم. آیا تو هم می توانی نشانه هایی از این مسئله در این دنیا پیدا کنی؟ بدون عیسی هیچ زندگی واقعی وجود ندارد. ایمان مسیحی ما این تشنگی را از بین می برد. به خاطر اینکه من می دانم به چه کسی دعا می کنم و او تشنگی درونی ام را بدین وسیله از بین می برد و او من را کاملا درک می کند. خدا به ما محبت زیادی دارد و چه زیبا که او به ما می تواند بگوید که من شما را همانطور که هستی دوست دارم و می پذیرم با همه اشتباهات.

و بدین ترتیب زندگی نجات بخش از ما صادر می شود. و انسان های غمگین تسلی پیدا می کنند و دوباره می توانند امید را در زندگی خودشان پیدا کنند. آنهایی که بی جواب مانده اند در ما کسی را پیدا می کنند که با او حرف بزنند و آدم های ضعیف در ما نیروی از دست رفته خودشان را باز خواهند یافت و دوباره قوی می شوند. انسان های پیر محبت و کمک را دوباره از ما دریافت خواهند کرد و دوباره کسی برای آنها زمان خواهد گذاشت و حرف های آنها را گوش خواهند کرد. جوانان دیگر این احساس را دارند که ما درباره آنها به خوبی فکر می کنیم. فقرا می توانند این را ببینند که ما امکانات خودمان را با آنها قسمت می توانیم بکنیم. افراد مریض ملاقات می شوند و افراد تنها به جامع باز می گردند و افراد غمگین لبخند می زنند. قدرت ما دیگران را قوی می سازد. انسان های اطراف ما می توانند بر روی ما حساب کنند. زیرا عیسی و قدرت او در ما زندگی می کند. و برای همین یک امید زیادی برای ما وجود دارد که ما این زندگی پر تلاطم را برای رسیدن به آینده خوب پشت سر بگذاریم. در پیش عیسی فقط این وجود دارد که می گوید: هر کس که تشنه است بیاید تا من به او آب بدهم. در نزد عیسی فقط آب حقیقی وجود دارد. هر کسی که به من ایمان دارد این آب حیات بخش در زندگی او سرازیر خواهد شد. و این موج خروشان از ما به انسانها اطراف مان راه پیدا می کند. و در آنها همان تاثیری را خواهد گذاشت که عیسی آن را در نظر دارد.

خدا برای ما روح القدس را می فرستد تا ما کامل بشویم. و آن از طریق ما به انسان های دیگر نیز منتقل می گردد.

آمین